

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

**عنوان:**

**بررسی و نقد دیدگاه ابن سینا درباره وحی و بازخوردهای آن  
در میان روشنفکران معاصر**

**استاد راهنما:**

**جناب آقای دکتر عسکر دیر باز**

**استاد مشاور:**

**سرکار خانم دکتر صادقی**

**نگارنده:**

**نجمه خادمی**

**تابستان ۱۳۹۰**

تقدیم به:

روح پاک حضرت امین وحیؑ

و عترت طاهرینش:

و پدر و مادر عزیز و خانواده مهربانم

## تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می‌دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده‌اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر دیرباز که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده‌اند نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم. از سرکار خانم دکتر صادقی به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده‌اند کمال تشکر را دارم.

همچنین از کلیه دوستان و آشنایانی که اینجانب را در تدوین این تحقیق یاری نموده‌اند به خصوص خانواده عزیزم که با صبر و تحمل بسیار، زمینه انجام تحقیق را برایم فراهم نموده‌اند، تقدیر و تشکر می‌نمایم.

## چکیده

وجه مشترک همه معانی ارائه شده پیرامون وحی در قرآن کریم «تفهیم و القای سریع و پنهانی» است و بیشترین کاربرد قرآنی آن در معنای پیامبری است که «تفهیم اختصاصی از جانب خداوند به بنده برگزیده که مأمور هدایت مردم می‌باشد» و وحی بدین معنا شاخصه نبوت است. شیخ الرئیس از نظر عقلانی ضرورت وحی نبوی را از طریق مراتب عقل به ویژه عقل مستفاد و ضرورت قوه حدس و ارتباط عقل بشری با عقل فعال بیان می‌کند. از نظر ابن سینا وحی عبارت است از القاء معرفت از جانب عقل فعال در نفس پاک و مصفا و مستعد نبی. عقل فعال در نظر او همان روح القدس است، این القاء از جنس فعل بوده و نفس نبی را منفعل می‌کند. از سویی دیگر روشنفکران دینی با رویکردی متمایز از نگاه سنتی و با پرسشهایی برآمده از تفکر مدرنیستی، به تحلیل خاصی از وحی و نبوت پرداختند. دکتر سروش از جمله روشنفکرانی است که وحی را گونه‌ای تجربه دینی می‌داند که پیامد و لازمه آن بسط و تکامل‌پذیری دین است. وی قرآن را تولید خود پیامبر(ص) و او را آفریننده قرآن دانسته و بر این باور است آنچه او از خدا دریافت می‌کند مضمون وحی است. اما این مضمون را نمی‌توان به همان شکل به مردم عرضه کرد. بلکه باید به این مضمون بی‌صورت صورتی ببخشد و آن را در دسترس همگان قرار دهد. مجتهد شبستری نیز مدعای مشابه دارد و بر این باور است که قرآن کلام نبی است نه خداوند. در این نوشتار پس از بررسی وحی از منظر ابن سینا و سیری در اندیشه‌های روشنفکران مذکور تلاش شده بازخوردهای اندیشه آن حکیم الهی در آراء این روشنفکران بررسی گردد. مراد ابن سینا از تخیل کلمات فرشته، تخیل رایج در فهم و زبان عموم یعنی ادراک غیر مطابق با واقع نیست، بلکه مراد او همان تخیل مصطلح فن یعنی تمثّل و ادراک صورت مثالی فرشته و کلمات او می‌باشد امری که به نظر می‌رسد از دید معاصرین متجدد مغفول مانده است. مضافاً اینکه صورت‌گری کتاب خدا و تألیف آن بوسیله قوه متخیله و خیال پیامبر(ص) - که از مدعیات نامبردگان است، با برهان سازگاری ندارد چرا که فاقد شیء و کمال، عقلاً نمی‌تواند معطی آن باشد و بالاترین نقش نبی در فرآیند وحی همانا قابلیت و پذیرندگی اوست نه فاعلیت و تألیف‌گری.

**کلید واژه:** وحی، خیال، پیامبر، روشنفکران، تجربه دینی

## فهرست مطالب

|  |           |
|--|-----------|
| فصل اول: کلیات.....  | ۱         |
| ۱. مقدمه.....  | ۲         |
| ۱-۱. بیان مسأله تحقیق.....                                 | ۳         |
| ۱-۲. اهداف تحقیق.....                                      | ۴         |
| ۱-۳. اهمیت مسأله.....                                      | ۴         |
| ۱-۴. سؤالات تحقیق.....                                     | ۴         |
| ۱-۵. روش تحقیق.....  | ۵         |
| ۱-۶. پیشینه تحقیق.....                                     | ۵         |
| ۱-۷. مشکلات تحقیق.....                                     | ۶         |
| ۲. وحی در لغت.....   | ۷         |
| ۳. کاربردهای وحی در قرآن کریم.....                         | ۹         |
| ۴. اقسام وحی به پیامبر(ص).....                             | ۱۴        |
| ۵. ماهیت وحی از منظر فارابی.....                           | ۱۷        |
| ۷. مقایسه نظر فارابی و ابن سینا.....                       | ۲۴        |
| <b>فصل دوم: ماهیت وحی از منظر ابن سینا و بررسی آن.....</b> | <b>۲۷</b> |
| ۱. نقش معرفت بخشی عقل فعال در اندیشه ابن سینا.....         | ۲۸        |
| ۲. معنای ادراک از دیدگاه ابن سینا.....                     | ۲۹        |
| ۳. انواع ادراک.....  | ۳۰        |
| ۴. قوای ادراکی باطنی نفس.....                              | ۳۱        |
| ۵. اقسام قوای نفس انسانی و حیوانی.....                     | ۳۳        |

- ۱-۵. قوه شوقیه ..... ۳۳
- ۲-۵. قوه فاعله ..... ۳۴
۶. ملاک تعدد قوا ..... ۳۵
۷. انواع قوای مدر که باطنی ..... ۳۶
- ۱-۷. حس مشترک: ..... ۳۶
- ۲-۷. مصوره یا خیال: ..... ۳۷
- ۳-۷. متخیله یا متصرفه: ..... ۳۷
- ۴-۷. واهمه: ..... ۳۷
- ۵-۷. حافظه یا ذاکره: ..... ۳۷
۸. خیال و متخیله ..... ۳۸
- ۱-۸. تعریف قوه خیال ..... ۳۸
- ۲-۸. دلایل اثبات قوه خیال ..... ۳۹
- ۳-۸. دلایل ابن سینا بر مادی بودن قوه خیال ..... ۴۰
۹. تعریف متخیله ..... ۴۶
- ۱-۹. بررسی نقش متخیله در تفکر ..... ۴۷
- ۲-۹. نقش متخیله در تلقی امور غیبی ..... ۵۰
۱۰. ماهیت وحی نزد ابن سینا ..... ۵۲
- ۱-۱۲. اختلاف صدرا با ابن سینا در اتصال نبی با عقل فعال: ..... ۶۲
- ۲-۱۲. اختلاف صدرا با ابن سینا پیرامون تبیین وحی در امور جزئی ..... ۶۳
- کلام آخر ..... ۶۴
- فصل سوم: تبیین آراء روشنفکران معاصر در مسأله وحی** ..... ۶۷
- و بررسی آن براساس نظام سینوی ..... ۶۷

|     |   |
|-----|---|
| ۶۸  | ۱. پیش در آمد   |
| ۷۱  | ۲. بیان آراء و اندیشه‌های دکترسروش پیرامون وحی          |
| ۷۸  | ۳. تلقی جدید شبستری از وحی                              |
| ۸۴  | ۴. تحلیل دکتر حامد ابوزید از وحی                        |
| ۸۸  | ۵. بررسی و ارزیابی آراء روشنفکران                       |
| ۹۴  | ۶. برهانی بر عدم امکان فاعل بودن نفس پیامبر نسبت به وحی |
| ۱۰۵ | ۷. تمایزات دیدگاه فلاسفه مشاء و روشنفکران               |
| ۱۰۷ | ۸. نقل و نقد " استدلال زبان شناسانه " شبستری            |
| ۱۱۰ | ۹. نقل و نقد استدلال عملگرایانه شبستری                  |
| ۱۱۳ | ۱۰. شواهدی از آیات و روایات                             |
| ۱۱۳ | الف : آیات  |
| ۱۱۴ | ب - روایات  |
| ۱۱۵ | جمع بندی مطالب فصل                                      |
| ۱۱۷ | نتیجه گیری  |
| ۱۲۳ | فهرست منابع و مآخذ                                      |



فصل اول:

# کلیات

## ۱. مقدمه

مفهوم وحی یکی از مفاهیم مهم و اساسی ادیان ابراهیمی بوده و در واقع وجه تمایز ادیان الهی از مکاتب بشری است. بر همین مبنا، وحی در بینش اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار است و محور اصلی آموزه‌های دینی و معارف اسلامی تلقی می‌گردد؛ به تعبیر دیگر، اسلام دین وحی و قرآن محصول آن می‌باشد. لذا هر نوع تحلیل و تفسیر وحی در حقیقت، تحلیل و تفسیر بنیاد اسلام است و هر خطایی در آن سبب انحراف افکار و تحریف دین و برداشت نادرست از آن خواهد شد.

چیستی و سرشت وحی از مباحث مهم فلسفه دین و کلام معاصر نیز می‌باشد. پیرامون سرشت و ماهیت وحی، دو دیدگاه عمده وجود دارد که عبارتند از وحی گزاره‌ای و وحی تجربی.

براساس دیدگاه گزاره‌ای، وحی گونه‌ای انتقال اطلاعات است. خدا حقایق را به پیامبر انتقال می‌دهد که مجموع این حقایق، اساس وحی را تشکیل می‌دهد؛ این برداشت از وحی که قدیمی‌ترین دیدگاه در مورد سرشت وحی است، دیدگاه گزاره‌ای نام گرفته است. اما براساس دیدگاه دیگر که وحی تجربی نام دارد، پیامبر با خدا مواجهه‌ای داشته و تفسیر آن مواجهه و تجربه دینی‌اش را برای دیگران منتقل می‌کند. این تحقیق مشتمل بر سه فصل می‌باشد که در فصل اول تحت عنوان «کلیات» به بحث‌های مقدماتی درباره وحی پرداخته‌ایم. در فصل دوم، ابتدا ماهیت وحی را از منظر شیخ‌الرئیس حکیم «ابن سینا» بررسی نموده و سپس، به ارزیابی آن براساس حکمت متعالیه پرداخته‌ایم. در فصل سوم نیز ابتدا به بیان آراء روشنفکران معاصر از جمله دکتر عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری پرداخته و از میان این دو بیشتر آراء دکتر سروش مد نظر بوده است. سپس آراء ایشان را براساس حکمت سینوی بررسی نموده‌ایم.

## ۱-۱. بیان مسأله تحقیق

نگاه اندیشمندان به مقوله وحی در طول تاریخ تفکر اسلامی با فراز و فرودهای گسترده‌ای همراه بوده است. برخی اساساً وحی را انکار نموده‌اند؛ برخی آن را تا حد تجربه دینی فرو کاسته‌اند. حکیمان مسلمان نیز در تعیین جایگاه وحی به مثابه یک معرفت معتبر در نظام معرفت‌شناختی و جایگاه نبی<sup>9</sup> به عنوان واسطه‌ای در دریافت آن معرفت نهایی سعی خویش را به کار گرفته‌اند؛ لذا این نوشتار درصدد است به معروض، نقد و تحلیل اصول و مبانی فلسفی وحی و لوازم آن در فلسفه اسلامی ابن سینا و آراء متفکرین معاصر بپردازد.

## ۲-۱. اهداف تحقیق

پرداختن به مراد حکیم ابن سینا، به مقوله وحی و نقش نبی در دریافت آن و هم‌چنین ارزیابی و نقد نگاه روشنفکران به مقوله وحی، هدف اصلی این رساله است. در بحث تحلیل معرفت‌شناختی وحی، به نقش قوای انسانی در تمثیل و تجسم حقایق و حیانی در قالب صور و الفاظ اشاره خواهد شد.

## ۳-۱. اهمیت مسأله

مسأله وحی و مسایل مرتبط با آن در زمره مهمترین مباحث فلسفه دین محسوب می‌شود. این پژوهش بر آن است که با رجوع به نسبت فلسفی فیلسوفان مسلمان، علی‌الخصوص «ابن سینا»، نشان دهد که در نظام فلسفی این حکما، معرفت و حیانی چگونه مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته و این که فلسفه ابن‌سینایی برای آن دسته از مواردی که مسایل امروزی و جدید محسوب می‌شود، چه پاسخی دارد؟ چالشی که مناظرات و مدعیات معاصرین در مورد وحی در نظام فکری معاصر ایجاد نمودند، ضرورت بحث را دوچندان می‌سازد.

## ۴-۱. سؤالات تحقیق

سؤال‌های این تحقیق که در حقیقت سؤالات فیلسوف از این مسئله (وحی) است، بدین قرار است:

۱. آیا وجود نوعی از معرفت که مشتمل بر اخبار از غیب و اخبار از آینده و گذشته و عوالم ناشناخته باشد، ممکن است؟
۲. ماهیت وحی چیست و کیفیت نزول آن چگونه است؟
۳. آیا شخص دریافت‌کننده این معرفت، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است؟

۴. مبانی فلسفی ابن سینا در مسأله وحی چیست و چگونه با آن مبانی می‌توان مسأله

وحی را ارزیابی کرد؟

### ۵-۱. روش تحقیق

روش تحقیق در این رساله همانند غالب پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه علوم انسانی، کتابخانه‌ای بوده و در پاره‌ای مواقع از اساتید این حوزه و سایت‌های اینترنتی نیز استفاده گردیده است.

### ۶-۱. پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت ویژه وحی و نقش آن در مباحث مختلف معرفت دینی و فلسفی فلاسفه و اندیشمندان، بسیاری به تحلیل این مسأله پرداخته‌اند. یکی از فیلسوفانی که در عرصه اندیشه اسلامی آراء وی در خور تأمل می‌باشد، ابن سینا است. اما پیشینه تفکر اسلامی مقدم بر ابن سینا می‌توان گفت به طور تخصصی از فارابی شروع و تا فلاسفه بعد از ابن سینا از جمله شیخ اشراق و ملاصدرا و فلاسفه نو صدرایی ادامه و مورد تبیین قرار گرفته است. همچنین برخی از اندیشمندان و روشنفکران دینی معاصر، از زوایای مختلفی مسأله وحی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

در هر دو حوزه (بررسی آراء فلاسفه و روشنفکران) مطالبی سابق بر تحقیق حاضر نگارش یافته است و حتی بعضاً تحقیقاتی به صورت تطبیقی صورت یافته است، ولیکن این تحقیق با رویکردی متفاوت و با مبنا قرار دادن آراء ابن سینا به عنوان یکی از تأثیرگذارترین فلاسفه در این حوزه، به بررسی آراء دکتر سروش و مجتهد شبستری که در این عرصه مباحث مختلفی را بیان کرده است، پرداخته و به نقد و بررسی دیدگاه‌ها در این زمینه پرداخته است.

## ۷-۱. مشکلات تحقیق

نقد آراء روشنفکران معاصر در این زمینه، بیشتر در حد مقالات و منعکس در نشریات بوده است و کتب عمیق علمی و دانشگاهی کمیاب بوده، مضافاً نقد آراء این روشنفکران از منظر ابن سینا و فلسفه او بسیار نادر می‌باشد.

## ۲. وحی در لغت

بررسی لغوی وحی در ابتدای این نوشتار جهت روشن شدن مساله از اهمیت زیادی برخوردار است.

وحی در لغت به معانی مختلفی از جمله «اشارت، کتابت، نوشته، رساله، پیام، سخن پوشیده، اعلام در خفا، کتاب» به کار رفته است.

ابن فارس در باب ریشه وحی می نویسد:

و-ح-ی اصل يدل على القاء علم في اخفاء. یعنی وحی اصلی است که دلالت بر عرضه پنهانی علم می کند.<sup>۱</sup>

راغب اصفهانی هم می گوید: «وحی: اصل الوحی الاشارة السریعه و لتضمن السریعه قیل امرٌ وحی و ذلك یكون بالكلام ... و قد یكون بالصوت ... و بالاشارة ... و بالکتابه .

امرٌ وحی یعنی امر سریع که با کلام می باشد و گاهی با صوت و با اشاره به بعض جوارح و کتابت هم می باشد.<sup>۲</sup>

ابواسحاق از لغویان معروف هم معتقد است: «اصل وحی در لغت رساندن پیام و اعلام خبر به صورت خفا را گویند. به همین دلیل الهام را وحی می نامند.<sup>۳</sup>

۱. احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغه (بیروت: ۱۴۱۰) ج ۶، ص ۹۳.

۲. محمد الراغب اصفهانی، غریب الفاظ قرآن، ماده وحی.

۳. ابن منظور، لسان العرب، (بیروت: دارالفکر، بی تا) ج ۱۵ ص ۳۸۱.

فخرالدین طریحی نیز می‌فرماید: «وَحَىٰ فِي قَوْلِهِ تَعَالَىٰ» «و اوحی ربک الی النحل» آی:

أَلْهَمَهَا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهَا وَ عَلَّمَهَا عَلِي وَ جِهَ لَا سَبِيلَ لِأَحَدٍ عَلَيِ الْوُقُوفِ عَلَيْهِ»<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد کلام ابن فارس به واقع نزدیکتر است زیرا در تمام کاربردهای قرآنی وحی، نه انتقال سریع بلکه انتقال پنهانی در نظر است. و به اشاره سریع به آن دلیل وحی گفته می‌شد که مطلبی را به صورت پنهانی انتقال می‌دهد ولی انتقال با این که مخفی است می‌تواند سریع نباشد.

علامه طباطبایی نیز در این باره چنین می‌فرماید: «از موارد استعمال وحی بدست می‌آید که از باب القای معنا به نحو پوشیده از اغیار است. پس الهام به معنای القای معنا در فهم حیوان از طریق غریزه هم از وحی است. همچنان که ورود معنا در نفس انسان از طریق رویا و همچنین از طریق وسوسه و یا اشاره همه از وحی است. در کلام خدای تعالی هم در همه این معانی استعمال شده، یکجا در القاء در فهم حیوان از طریق غریزه استعمال کرده و فرموده: «و اوحی ربک الی النحل» (نحل/۶۸) و در القاء از باب رویا فرموده: «و او حینا الی ام موسی» (قصص/۷) و در وسوسه می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوَّلِيَاءَهُمْ» (انعام/۱۲۱). در القاء از باب اشاره می‌فرماید: «فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بِكُرْهِ وَعَشْيًا» (مریم/۱۱) و در تکلم با انبیاء و رسل می‌فرماید: «و ما کان لبشر أن یکلمه الله الا وحیا» (شوری/۵۱)

---

۱. فخرالدین طریحی: مجمع البحرین، (قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۶ هجری قمری) ج ۳، ص ۱۹۱۶.  
۲. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم موسوی همدانی، قم انتشارات دفتر اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۴۲۳.



### ۳. کاربردهای وحی در قرآن کریم

واژه وحی و مشتقات آن هفتاد و دو بار به صورت اسم و فعل در قرآن کریم به کار رفته است.<sup>۱</sup>

وحی کننده گاه خدا، آسمان، یا زمین می باشد که وجه مشترک همه این معانی چنین است: «تفهیم و القای سریع و پنهانی»

ذیلاً به پاره‌ای از این موارد اشاره شده و پیرامون آن به اختصار مطالبی عرضه می گردد: الف) تقدیر الهی در نظام هستی: در برخی آیات قرآن کریم «وحی» به تقدیر الهی در نظام و پدیده‌های عالم اطلاق شده است. از جمله این آیه: «یومئذٍ تحدث اخبارها بأَنْ رَّبِّكَ اوحی لها» (زلزال: ۵۴)

ترجمه: آن روز است که زمین خبرهای خود را باز گوید که پروردگارت بدان وحی کرده است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید: در روز قیامت خداوند با وحی به زمین اجازه می دهد که شهادت خود را ادا کرده اخبار حوادث واقع در آن را بدهد.<sup>۲</sup>

---

۱. گروه بازننگری کتابهای معارف موسسه امام خمینی، مفهوم شناسی، وحی، مجله معرفت، شماره ۶۰.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۵۸۹.

وحی به کار برده شده در این آیه بنا بر روایات وارده به تقدیر الهی در هستی معنا گردیده است. یعنی خداوند سنت‌ها و نظام مورد نظر خود را به گونه‌ای در آسمان‌ها و زمین قرار داده که فقط با تأمل و تفکر عالمانه می‌توان به آن پی برد.<sup>۱</sup>

ب) هدایت غریزی: آیاتی از قرآن کریم از هدایت حیوانات به وحی تعبیر می‌شود. مانند وحی به زنبور عسل: «اوحی ربك الى النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا» (نحل: ۶۸) علامه طباطبایی می‌فرماید: وحی در این در آیه به القاء فهم حیوان از راه غریزه استعمال شده است. پس معنای اینکه فرمود: «اوحی ربك الى النحل» این است که خداوند به زنبور عسل از راه غریزه‌ای که در او قرار داده الهام کرده است.<sup>۲</sup>

ج) الهام (سروش غیبی): قرآن کریم بر الهام نیز واژه «وحی» اطلاق کرده است. در مورد الهام به مادر حضرت موسی می‌فرماید: «و اوحینا الى ام موسی ان ارضعیه فاذا خفت فالقیه فی الیم» (قصص: ۷)

ترجمه: به مادر موسی وحی کردیم که او را شیرده، پس چون بیمناک شدی او را در دریای نیل بیفکن.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه نیز می‌افزاید: کلمه اوحینا در این آیه به معنای گفتگوی پنهانی است در قرآن کریم در سخن گفتن خدای تعالی با بعضی از مخلوقاتش استعمال می‌شود که در این آیه در معنای الهام و افکندن مطلب به دل کسی استعمال شده است. پس معنای آیه چنین است: ما با نوعی الهام به مادر موسی بعد از اینکه او را زایید گفتیم به موسی شیر بده و چون ترسیدی او را به دریا بینداز.<sup>۳</sup>

د) اشاره پنهانی: از دیگر موارد کاربرد وحی در قرآن کریم «اشاره» است. هنگامی که به حضرت زکریا بشارت فرزند داده شد برای اطمینان نشانه‌ای طلبد. در پاسخ به این

۱. علی بن ابراهیم بن هاشم القمی، تفسیر القمی، الطبعة الثالثة، ج ۶، ص ۲۶۳.

۲. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، همان، ج ۱۲، ص ۴۲۴.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۱۱.

درخواست سه روز زبان او جز به تسبیح خداوند بند آمد و مجبور شد به قوم خود مقصودش را با اشاره برساند و قرآن کریم می فرماید:

«فخرج علی قومه من المحراب فاوحی الیهم ان سبّحوا بكرةً و عشیاً» (مریم: ۱۱)

ترجمه: پس از محراب بر قوم خویش درآمد و به اشاره به آنان فهماند که صبح و شام خدا را تسبیح گویند.

حضرت زکریا در این سه شبانه روز سرگرم عبادت و ذکر خدا بود ولی نمی توانست با مردم حرف بزند مگر با رمز و اشاره، که رمز و اشاره آن را از این آیه میتوان فهمید:

«قَاب رَبِّ اجْعَل لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ الْآ تَكَلَّمُ النَّاسُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ الْآ رَمَزَا وَ اذْكَرُ رَبِّكَ كَثِيرًا وَ سَبِّحَ بِالْعَشِيِّ وَ الْآبِكَارُ»<sup>۱</sup> (آل عمران، ۴۱)

ه) القای شیطانی: از دیگر موارد کاربرد وحی در قرآن القای شیطانی است. قرآن کریم می فرماید:

«انّ الشیاطین لیوحون الی اولیائهم» (انعام: ۱۲۱)

ترجمه: به راستی شیطانها به دوستان خود القا می کنند

بدین دلیل به وسوسه شیطان و القای سخن آن و حی اطلاق شده است که این کار به صورت مخفی انجام می گیرد و بدون استفاده از الفاظ و آشکار شدن شیطان مفهوم منتقل می شود.<sup>۲</sup>

این گونه وحی شیطانی همان است که در سوره ناس آمده است:

«و من شرالوسواس الخناس، الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنه و الناس» (ناس: ۴-)

(۶-۵)

۱. همان، ج ۱۴، ص ۲۱.

۲. ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۴۲.

و) تأیید عملی پیشوایان: دیگر کاربرد قرآنی وحی در معنای عصمت و توفیق عملی پیشوایان الهی است.

قرآن کریم می‌فرماید: «وجعلناهم ائمه یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلاه و ایتاء الزکاه و کانوا لنا عابدین» (انبیاء: ۷۳)

علامه طباطبایی در تفسیر همین آیه و در عبارت «واوحینا الیهم فعل الخیرات» مقصود از وحی را عصمت و تأیید عملی پیشوایان الهی و موفق داشتن آنان به انجام نیکی‌ها و بازداشتن از گناه دانسته آن را «وحی تسدیدی» می‌نامد مؤید این معنا جمله بعدی است که می‌فرماید: «کانولنا عابدین» زیرا این جمله به ظاهرش دلالت دارد بر اینکه ائمه قبل از وحی هم خدای را عبادت می‌کرده‌اند. و وحی، ایشان را تأیید نموده است. و عبادتشان با اعمالی بوده که وحی تشریحی قبلاً بر ایشان تشریح کرده بود. پ این وحی که متعلق به فعل خیرات شده وحی تسدید (تأیید) است نه وحی تشریح.<sup>۱</sup>

ز) وحی نبوی: بیش‌ترین کاربرد قرآنی وحی در معنای ارتباط رسالی پیامبران است که در میان اهل شریعت و دانشمندان علم کلام معنای اصطلاحی پیدا کرده و آن عبارت است از «تفهیم اختصاصی از جانب خداوند به بنده برگزیده که مأمور هدایت مردم می‌باشد» وحی بدین معنا شاخصه نبوت است و در قرآن کریم بیش از ۶۰ بار از آن یاد شده است مانند:

«انا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح و النبیین من بعده» (النساء: ۱۶۳)

ترجمه: ما به تو وحی کردیم همچنان که به نوح و پیامبران پس از او وحی کردیم.

و نیز «وکذلک یوحی الیک و الی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم» (شوری: ۳)

توضیح بیشتر این نوع وحی در مطلب بعدی با عنوان اقسام وحی به پیامبر آورده می‌شود.

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۴۳۰.